

تجربه صمیمیت در موقعیت قرنطینگی (مورد مطالعه خانواده‌های استان گیلان)^۱

علی یعقوبی چوبری^۱، حشمت‌الله حمیدی بگه‌جان^۲، نسرین اسلامی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴)

چکیده

صمیمیت یکی از عواطف مهم انسانی است که دارای دلالت‌های فرهنگی - اجتماعی و بدنمندی است. هدف اصلی این تحقیق، مطالعه کیفی تجربه صمیمیت و پیوندهای اجتماعی در دوران کرونا و موقعیت قرنطینگی است. مطالعه با تکیه بر روش کیفی و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته انجام شده است. با توجه به منطبق اشباع نظری، با چهل نفر از شهروندان استان گیلان به صورت فردی مصاحبه صورت گرفت. سپس، مصاحبه‌ها پس از تقریر به شیوه تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد سه سنخ صمیمیت محبت‌آمیز، سنخ خنثی و سنخ جدال‌آمیز در خانواده‌های مصاحبه‌شوندگان مشاهده می‌شود. در شرایط قرنطینگی خانواده‌های طبقه پایین از پیوند اجتماعی ضعیف‌تر و طبقات متوسط و بالا از پیوند اجتماعی قوی‌تری برخوردار بوده‌اند. همچنین، کشاکش سوژه‌های قرنطینه بیشتر مثبت، محبت‌ورزانه و در جهت حفظ نظم ناشی از بلبشوی کرونا بوده است. بنابراین، موقعیت قرنطینگی در این پژوهش، هرچند موجب کاهش تعاملات و افزایش فرسایش سرمایه اجتماعی در سطح جامعه و به زوال امر اجتماعی منجر شده، اما موجب بسط عواطف انسان‌ها و پیوند اجتماعی خانوادگی بوده است.

<http://dx.doi.org/10.22034/jss.2021.526686.1506>

مقاله علمی: پژوهشی

A.yaghoobi@guilan.ac.ir

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

Heshmat.hamidi2@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

n.eslami1370@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۰۱

واژگان کلیدی: صمیمیت، پیوند اجتماعی، قرنطینگی، کرونا.

مقدمه و بیان مسئله

صمیمیت^۱ پدیده چندوجهی^۲ و چندتکیه‌ای^۳ است و تحت تأثیر عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... است و می‌توان از منظر جامعه‌شناختی (به‌ویژه جامعه‌شناسی احساسات)، انسان‌شناختی، روان‌شناختی، مطالعات فرهنگی، فلسفه و... بدان پرداخت. مطالعه نظام‌مند صمیمیت یا روابط شخصی امری نسبتاً جدید است و حول دگرگونی‌های اجتماعی با تمرکز بر تأثیر تغییرات اجتماعی گسترده بر روابط شخصی می‌چرخد. به گفته جکی گاب «تعریف و مطالعه صمیمیت به‌مثابه مقوله‌ای ناپیوسته از تجربه انسانی که امروزه منبع مهمی برای بحث‌های علوم اجتماعی است، اولین بار در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به‌مثابه یک مسئله ظهور کرد» (لطفی‌زاده؛ زاهدی؛ گلابی، ۱۳۹۸: ۱۱۶). به تدریج موردعلاقه جامعه‌شناسان و سایر رشته‌های هم‌جوار قرار گرفته است.

از حیث نظری، زیگمونت باومن^۴ در باب «ناپایداری پیوندهای انسانی» تأکید می‌کند، روابط میان رؤیایی شیرین و کابوس نوسان می‌کنند و معلوم نیست چه وقت یکی از این دو به دیگری بدل می‌شود. اکثر اوقات هر دوی آن‌ها با هم وجود دارند، البته در سطوح متفاوتی از آگاهی. در موقعیت سیال مدرن زندگی، روابط شاید شایع‌ترین، حادث‌ترین، حساس‌ترین و مسئله‌سازترین نمونه همخوانی و چندگانگی باشند (باومن، ۱۳۹۷: ۱۱). آنتونی گیدنز نیز در رابطه ناب به تغییراتی که در روابط انسان‌ها ایجاد شده است، تأکید می‌کند. ارتباط ناب منوط به وجود اعتماد متقابل است و این اعتماد متقابل به‌نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد و با امر دموکراتیک گره خورده است. امروزه انسان‌ها به‌دنبال ارتباطات و روابط ناب هستند؛ روابطی آکنده از صمیمیت، تعهد و اعتماد متقابل که فارغ از الزامات محیطی باشد و این امکان را داشته باشند که هرگاه بخواهند آن روابط را خاتمه دهند و در پی مزایای اجتماعی و اقتصادی نیستند. آنچه برای آن‌ها درخور توجه است خود رابطه، صمیمیت، اعتماد و تعهد است، برخلاف گذشته که افراد بیشتر به دنبال سود و مصلحت خود بودند (گیدنز^۵، ۱۹۹۲).

1. intimacy
2. multidimensional
3. multiaccetual
4. Zygmunt Bauman
5. Anthony Giddens

به‌لحاظ تحقیقات تجربی، جامعه‌شناختی در حوزه بحران‌ها مانند کتاب اخیر اریک کلاینبرگ به‌نام *کاخ‌هایی برای مردم* نشان داده که آنچه جان آدمیان را در شرایط بحران حفظ می‌کند، پیوستگی اجتماعی آن‌هاست، نه فاصله آن‌ها از یکدیگر. کلاینبرگ^۱ در جریان پژوهش طولانی‌مدت که روی بحران موج گرمای شهر شیکاگو و مرگ‌ومیر گسترده ناشی از آن انجام داد، به اهمیت زیرساخت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی برخاسته از آن‌ها در کاهش تلفات ناشی از بحران پی برد، او با بررسی همین موضوع در سایر بحران‌ها مانند طوفان کاترینا و فضاهای شهری مسئله‌دار متوجه شد که زیرساخت اجتماعی حتی می‌تواند نقش مهم‌تری از اقدامات دولتی و زیرساخت‌های فیزیکی در کنترل تلفات ناشی از بحران داشته باشند (کلاینبرگ، ۲۰۱۸).

از این‌رو، حتی در دوران کرونا اگرچه فاصله فیزیکی برای گذر از این بحران ضروری است، اما این امر نباید به فاصله‌گذاری اجتماعی، گسیخته‌شدن تعاملات اجتماعی و کاهش پیوندهای اجتماعی منجر شود و به بیانی دیگر، راه‌کار فاصله‌گذاری که در ایران هم مانند سایر کشورها برای مقابله با بحران ارائه شده است به‌معنای تعطیلی چرخ‌های زندگی اجتماعی و فرو رفتن در غارهای تنهایی نیست (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹: ۹۴). بنابراین، در ایام بحرانی کرونا، مردم به روابط، تعامل اجتماعی و هم‌بستگی بیشتری نیاز دارند و در عین فاصله‌گذاری فیزیکی، باید روابط به‌شکلی دیگر ادامه یابد. آنچه لازم است فاصله‌گذاری فیزیکی است نه اجتماعی، زیرا افراد جامعه‌ای بدون وجود تعامل و ارتباط متقابل، قابلیت زیست اجتماعی را ندارند (نوروزی؛ عباسی اسفجیر؛ بسمل، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

امروزه در دوران شیوع بیماری کرونا و روزهای قرنطینه مفهوم صمیمیت بیشتر موردتوجه قرار گرفته است، زیرا در ایام قرنطینه و اینک علی‌رغم بازگشایی نسبی کسب‌وکارها، ارتباطات ما با اطرافیانمان به‌کلی تغییر کرده است. سطح تماس‌های فیزیکی و اجتماعی به کم‌ترین حد خود رسیده، رفت‌وآمدهای خانوادگی محدود شده و تعاملات دوستانه به سیمای خاطره‌ای جذاب و دوست‌داشتنی تغییر شکل داده است. این سنخ از ارتباطات به‌صورت عینی درآمده است. ساختی که روابط عاطفی خاصی در آن شکل می‌گیرد صرفاً امر اجتماعی نیست، بلکه وجه بدنمندی هم دارد؛ بسیاری از عناصر رابطه، مانند در آغوش گرفتن، بوسیدن، دست دادن، کنار هم نشستن، بی‌دغدغه در فضای عمومی غذا خوردن. از این‌رو باید گفت کرونا تنها درون بدن‌ها اختلال ایجاد نکرده، بلکه بدن جامعه را نیز دست‌کاری کرده است و کم‌ترین شکل این دست‌کاری، برداشتن عناصری از روابط و افزودن عناصر دیگری در مناسبات ماست. همچنین،

1. Klinenberg

ترس از ابتلا و دعوت به قرنطینه خانگی موجب انزوا، تنهایی، بیگانه‌هراسی و کاهش روابط اجتماعی شده و بسیاری را به دوری از جمع‌های خانوادگی، دوستانه و کاری تشویق کرده است. آیین‌های گوناگون جمعی و عمومی به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ جامعه به حالت تعلیق درآمده و در بسیاری از موارد، جای خود را به آیین‌های فردی و خصوصی داده‌اند. همه این تغییرات و محدودیت‌ها در نحوه زندگی بشر در شرایط بحرانی رخ داده است که پیوند اجتماعی تأثیر به‌سزایی در تسکین درد و رنج‌های مردم داشته است. در همه انواع بلایای طبیعی و اجتماعی و مصیبت‌های جمعی، پیوند اجتماعی، نقشی مهم برای کاهش آلام مردم و تقلیل آسیب‌های ناشی از بحران داشته است. جامعه برای برون‌رفت از بحران‌ها و کنار آمدن با دردها و رنج‌ها به پیوند اجتماعی و عاطفی نیاز دارد و فاصله فیزیکی، نباید به فاصله‌گذاری اجتماعی و عاطفی منجر شود؛ امری که در دوره کرونا تا حدی رخ داده است (معیدفر، ۱۳۹۹: ۷).

به‌طور کلی در شرایط بحرانی کرونا که افراد جامعه دوران قرنطینه را سپری می‌کنند، روایت‌های مختلفی وجود دارد. روایت نخست این است که آن‌هایی که پیش از شیوع کرونا ارتباط خوبی بینشان برقرار بود، پیوند و صمیمیت و دل‌بستگی میان آن‌ها افزایش یافته است و کرونا و قرنطینه موقعتی را ایجاد کرده است تا در کنار همدیگر باشند. نقطه مقابل این روایت، برخی معتقدند کرونا خودخواهی و خودمحوری‌ها را بیشتر کرده و موجب ازهم‌گسیختگی روابط خانوادگی آنان شده است، هر چند که این افراد در دوره پیشاکرونا نیز تعامل اجتماعی ضعیفی با اطرافیان خود داشتند و کرونا این فاصله را تشدید کرده است.

استان گیلان از استان‌های شمالی و یکی از نخستین مناطق کشور است که با بیماری کووید-۱۹ مواجه شد. پس از ابتلای برخی افراد و مرگ‌ومیر ناشی از بیماری و متعاقب آن قرنطینه شدن استان و خانواده‌ها، دیجیتالی شدن جامعه و زیست مجازی موجب عواطف و احساسات خاصی در فضای قرنطینه شده است. این امر به‌نحوی پیوند و مناسبات اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به مطالب فوق، سؤال اصلی پژوهش این است: آیا شرایط بیماری کرونا و قرنطینه، صمیمیت و پیوندهای اجتماعی خانوادگی افراد را تضعیف یا تحکیم کرده است؟ سنخ‌های مختلف افراد در ایام قرنطینه کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

درمورد رابطه بین کرونا و پیوندهای اجتماعی یا صمیمیت تاکنون پژوهش‌های کم‌تری صورت گرفته، اغلب تحقیقات صبغه کمی و پوزیتویستی داشته و به‌طور غیرمستقیم به این امر پرداخته‌اند.

در موقعیت پیشاکرونا در داخل، پناهی و زارعان (۱۳۹۳) به بررسی «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن» با استفاده از روش پیمایشی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده است، قوی‌ترین رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با تأمین نیازهای خانواده است. همچنین استقلال اعضای خانواده‌ها، انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در خانواده از دیگر متغیرهایی هستند که رابطه معنادار و نسبتاً قوی با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده دارد.

درمورد شرایط کرونایی نیز، معدود تحقیقات انجام شده در داخل عبارت‌اند از: خطیبی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر اختلافات زناشویی در شرایط کرونایی در زوجین در شهر بهار» به روش کمی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد قرنطینه خانگی به شکل طولانی‌مدت، روال عادی سبک زندگی خانواده‌ها را تغییر می‌دهد. تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر عوامل اقتصادی بیشترین تأثیرگذار و نحوه همکاری در گذران اوقات فراغت کم‌ترین تأثیرگذار بر اختلافات زناشویی بوده است.

نتایج پژوهش جوادی؛ برادران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر کرونا و ویروس (کووید-۱۹) بر روابط اجتماعی خانواده» نشان می‌دهد که هم‌بستگی درونی اعضای خانواده در دوران کرونا بیشتر شده، ولی در مجموع با کاهش روابط اجتماعی خانواده مواجه شده‌ایم و انزوای اجتماعی آنان بیشتر شده است. با کاهش روابط اجتماعی خانواده‌ها در دوران کرونا، سلامت اجتماعی و روانی جامعه موردتهدید قرار گرفته است که به نظر می‌رسد این کاهش روابط اجتماعی خانواده می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی منجر شود.

شیردل و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «احساسات دینی و سازگاری خانواده با بحران کووید-۱۹: مطالعه پدیدارشناسانه در استان سیستان و بلوچستان» نشان دادند مضمون اصلی تعالی احساسی خانواده با تمسک به سرچشمه الهی از پنج مضمون فرعی تسهیل زندگی خانوادگی با قدرت ایمان الهی در شرایط کرونا، پناه الهی و زدودن ترس از مرگ در شرایط کرونا، خانواده دین‌مدار و بهبود روحیه خانوادگی، احساسات مثبت دینی در خانواده و امداد الهی در گذار خانواده از خطرات کرونا، تشکیل شده است.

یافته‌های پژوهش اسکندریان (۱۳۹۹) با عنوان «ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی)» نشان داد که بحران ویروس کرونا و شرایط قرنطینه، پیامدهای متعدد مثبت و منفی برای الگوی مصرف فرهنگی خانواده ایرانی مثل مصرف دیداری و شنیداری و مصرف مکتوب به همراه داشته است. فعالیت‌های مبتنی بر روابط

خارج از خانه با محدودیت‌های جدی مواجه شده و درمقابل تعامل و گپ‌وگفت با اعضای خانواده، به‌عنوان فرصتی در کانون توجه قرار گرفته است.

کریمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به مطالعه شیوع انواع اختلالات روان‌شناختی در مواجهه با همه‌گیری کووید - ۱۹ پرداختند و نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که انواع اختلالات روان‌شناختی شامل استرس، اضطراب، افسردگی، استرس پس از سانحه، پریشانی روانی، اسکیزوفرنی، اختلالات خواب و آشفتگی خواب، تروماتیزه‌شدن روانی، مجاورتی و اعتیاد به اینترنت به‌طور متوسط تا شدید در میان مردم و کادر درمان در بحران کووید - ۱۹ همراه است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی درمورد «زنجیره فقدان: تشدید بحران در مناطق حاشیه‌ای (مواجهه شهروندان حاشیه‌نشین سندج با کووید-۱۹)» نشان دادند که در شرایط کرونایی مشکلات ساختاری و غیرساختاری از قبیل فقر و بیکاری در اقشار حاشیه‌نشین تشدید شده و به‌لحاظ احساسی میزان خشونت در آن‌ها نیز افزایش یافته است.

قربانی؛ توحیدی مقدم (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان طلاق عاطفی زوجین شهر رشت در دوره پاندمی ویروس کرونا» نشان دادند که میزان طلاق عاطفی زوجین شهر رشت پایین‌تر از حد متوسط است. همچنین میزان طلاق عاطفی زنان با مردان، در سطوح تحصیلاتی مختلف، تفاوت معنادار ندارد. بین طلاق عاطفی زوجین با سن افراد، مدت ازدواج و تعداد فرزندان آن‌ها رابطه معناداری مشاهده نشد. بنابراین نمی‌توان طلاق عاطفی زوجین شهر رشت را با مؤلفه‌های فوق مورد ارزیابی قرار داد.

در پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۹) با موضوع «بررسی میزان خشونت خانوادگی بعد از شیوع بیماری کرونا در بین خانواده‌های ساکن شهر رشت» یافته‌ها نشان داد بین میانگین محاسبه‌شده با میانگین مفروض در زمینه خشونت فیزیکی، جنسی و روانی تفاوت معناداری وجود نداشت.

در حوزه تحقیقات خارجی، جیلیز^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه خود با عنوان «خانواده و روابط صمیمی: مروری بر تحقیق اجتماعی» به بررسی چگونگی بر ساخت جامعه‌شناختی درباره خانواده و روابط صمیمی پرداخته است. او در این مطالعه بیان کرده است که جنس صمیمیت در روابط شخصی افراد طی سال‌ها تغییر کرده و در این زمینه عنوان کرده است که با تأکید تئورسین‌ها بر تفکیک، دموکراتیزاسیون یا پیوستگی و تدوام، سه دیدگاه جامعه‌شناختی مهم در روابط شخصی معاصر ایجاد شده است.

1. Gillies

وال^۱؛ گوویا^۲ (۲۰۱۴) مطالعه‌ای با عنوان «معانی در حال تغییر خانواده در روابط شخصی» در کشور پرتغال انجام داده‌اند که در راستای کمک به فهم معنای شکل‌گرفته از خانواده و زندگی خانوادگی بوده است. در این زمینه فهم مجموعه معانی پیوندها و مناسبات خانواده، نقطه مرکزی بوده است و نویسندگان اساس رسیدن به این فهم را بر مبنای بررسی مرزهای در حال تغییر روابط خویشاوندان نزدیک و مجموعه وسیع‌تری از روابط از قبیل روابط با دوستان، همسایگان، آشنایان، همکاران و ... فرد قرار داده‌اند.

نتایج حاصل از پژوهش شیائو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان داد که طی یک دوره انزوا از خود در هنگام شیوع ویروس کووید-۱۹ در مرکز چین، افزایش سرمایه اجتماعی با کاهش اضطراب و استرس، کیفیت خواب را بهبود بخشید.

کانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۰) تأکید کرده‌اند در شرایط بحرانی، همانند شیوع بیماری کووید-۱۹، اثرات بیماری نه تنها می‌تواند باعث ایجاد مشکلات سلامت روان شود، بلکه تأثیر ماندگاری بر عواطف منفی جمعیت نیز خواهد داشت. دلایل زیادی وجود دارد که شیوع بیماری‌های واگیر و به دنبال آن قرنطینه تأثیرات مخرب روان‌شناختی به همراه دارد.

معارفوند^۵ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقشان روی ۳,۷۸۷ مرد و زن ایرانی (۶۷,۴ درصد زن) دریافتند که زنان در مقایسه با مردان استرس بیشتری را تجربه می‌کنند، زیرا به احتمال بالاتری درگیر منابع استرس‌زا نظیر کار، نگهداری از دیگران در خانواده، برنامه‌ریزی برای منابع مورد نیاز خانواده و رسیدگی به درس و تکالیف مدرسه فرزندان هستند. تحقیق دیگری روی اضطراب و پریشانی روانی همه‌گیری روی کارکنان بهداشتی خط مقدم در سیستم درمان چین نشان داد که زنان سطوح بالاتری از استرس، اضطراب و افسردگی را تجربه کرده‌اند (لیو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰).

در مجموع، پیشینه پژوهش نتایج متناقضی را نشان می‌دهد. برخی یافته‌ها حکایت از این دارد که بیماری کرونا و قرنطینی پیوند اجتماعی خانواده‌ها را تضعیف کرده و برخی یافته‌ها نیز نشان‌دهنده بسط روابط اجتماعی خانوادگی بین اعضای خانواده است و رابطه عاطفی بین افراد در سیستم خانه تفاوت چندانی در شرایط پیشاکرونا و دوره کرونا ندارد. این مقاله برخلاف

1. Wall
2. Gouveia
3. Xiao
4. Haung
5. Maarefvand
5. Liu; Liu; Gao; Li; Liang

سایر پژوهش‌های فوق، مفهوم صمیمیت را به‌طور آشکار کانون عزیمت مطالعه خود قرار می‌دهد و با روش کیفی و رویکرد جامعه‌شناختی مفهوم مزبور را سنخ‌شناسی می‌کند و در ارتباط با پدیده کرونا مورد بررسی قرار می‌دهد.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

مبانی نظری در تحقیقات کیفی به‌مثابه برساخت اجتماعی است که در انتخاب موضوع، تحلیل و تفسیر داده‌ها، مقایسه و تعمیم یافته‌ها به محقق کمک می‌کند و آنچه در تحقیقات کیفی از اهمیت زیادی برخوردار است حساسیت نظری است تا مبانی نظری (فلیک^۱، ۱۳۸۷: ۶۴). در باب مفهوم صمیمیت و پیوندهای اجتماعی دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که در ادامه مروری به برخی از این چشم‌اندازهای نظری خواهیم داشت. صمیمیت معمولاً با مشی عاطفی همراه است: «تعاملاتی مربوط به خودافشایی باز و مراودات شخصی تنگاتنگ است. این مقوله شامل مفاهیمی چون مشارکت در احساسات، امیدها، ترس‌ها و آسیب‌پذیری‌هاست» (تبریزی؛ دیبانیان؛ کاردانی؛ جعفری، ۱۳۸۵: ۲۰۵). صمیمیت هم به‌عنوان مفهوم تحلیلی یا به تعبیر وبر یک «سنخ آرمانی»^۲ در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد (لطفی‌زاده؛ دیبانیان؛ کاردانی؛ جعفری، ۱۳۹۸: ۱۱۹). هم سخن از آن، صرفاً توصیف امر صمیمیت نیست، بلکه اجرای آن است. بسیاری از نظریه‌پردازان برجسته جامعه‌شناسی (لومان، گیدنز، بک و بک گرنسهایم، و باومن) تحول صمیمیت را به‌مثابه پیامدی از مدرنیت در نظر می‌گیرند. در مدرنیت سیال پیوندهای اجتماعی ضعیف و سطوح بالای تحرک فردی الگوهای جدیدی از آگاهی هویت را ایجاد می‌کند که بر مبنای منطق به‌حداقل رسانیدن تعهدات نهادی، انعطاف‌پذیری مسئولیت بین‌فردی و پذیرفتن یک وضعیت پایدار تجربه اجتماعی قرار دارد (بین‌کلی^۳، ۲۰۱۱).

زیگمونت باومن صمیمیت را در ذیل ناپایداری پیوندهای انسانی و عشق در کتاب مهم خود با عنوان *عشق سیال* بررسی کرده است. وی از دو استعاره عشق جامد^۴ و عشق سیال^۵ برای پیوندهای انسانی استفاده کرده است. به‌زعم وی مدرنیت دو مرحله دارد: مرحله اول مدرنیت جامد و مرحله دوم مدرنیت سیال است. در مدرنیت سیال پیوندهای اجتماعی ضعیف و سطوح بالای تحرک فردی الگوهای جدیدی از آگاهی از هویت را ایجاد می‌کند که بر مبنای منطق

1. Flick
2. ideal type
3. Binkley
4. liquid love
5. solid love

به‌حداقل رسانیدن تعهدات نهادی، انعطاف‌پذیری مسئولیت بین‌فردی قرار دارد. باومن تأکید می‌کند در زندگی سیال مدرن هیچ‌گونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هر گونه رابطه‌ای که ما برای مدتی آن را ادامه می‌دهیم، باید بسیار سست باشد که تا حد امکان و به‌سادگی با تغییر شرایط این رابطه قابل فسخ باشد (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰۶). باومن در آثار خود به‌ویژه در *عشق سیال* و *زندگی سیال* به بررسی روابط افراد در دنیای مدرن واقعی و تماس‌های شبکه‌ای در دنیای مدرن مجازی پرداخته است. اگرچه محور یا قهرمان اصلی مباحث او در این آثار «رابطه» انسان‌ها در دنیای واقعی است، ولی به رابطه انسان‌ها در دنیای مجازی نیز توجه خاصی نشان داده است. در این رابطه، رقیق بودن رابطه‌ها، سادگی برقراری و قطع، معاینه دائمی و گمنامی وجود دارد (کنعانی؛ محمدزاده، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های نظری که روابط صمیمیت را توضیح می‌دهد می‌توان در آرای جامعه‌شناس انگلیسی، آنتونی گیدنز، ردیابی کرد. گیدنز در کتاب *تغییر شکل صمیمیت* به موضوع روابط شخصی و بین‌فردی و تغییرات ویژگی‌ها و کیفیت این روابط طی دوران اخیر و متأثر از مدرنیته می‌پردازد. وی تأکید می‌کند در دوره مدرنیته متأخر روابط شخصی به‌سمت شکل‌گیری نوعی رابطه به‌نام «رابطه ناب» در حرکت است. از نگاه او

رابطه ناب رابطه‌ای برابر است که برای نفس رابطه برقرار می‌شود و از قید هرگونه معیار و ضابطه‌ای خارج از نفس ارتباط آزاد است و ... در حوزه زندگی شخصی، هرچه جامعه پسانستی توسعه بیشتری می‌یابد، حرکت به سوی آنچه می‌توان آن را رابطه ناب در روابط جنسی، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیشتری می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

گیدنز تغییر شکل صمیمیت به‌سوی رابطه ناب را فرایندی جهانی می‌داند. این فرایند به دموکراتیک‌شدن روابط جنسی و روابط کودک - والد منجر شده است. در مناسبات دموکراتیک سطح خشونت کاهش و همه افراد از جمله فرزندان از طریق اصول خودآیینی^۱ و توافق می‌توانند مشارکت داشته باشند. «خودآیینی شخصی موجب احترام به ظرفیت‌ها و توانایی‌های دیگران می‌شود که صفت ضروری نظم دموکراتیک است» (گیدنز، ۱۴۰۰: ۱۹۲). برخلاف پیوندهای شخصی یا خصوصی در جامعه سنتی، رابطه ناب به عوامل برون‌زای زندگی اجتماعی و اقتصادی وابسته نیست. در جامعه مدرن نقش الزام‌های بیرونی و پیش‌ساخته در روابط صمیمی میان افراد در حال کم‌رنگ‌شدن است. بدین ترتیب، علت پیدایش و ادامه هر نوع رابطه صمیمی میان افراد احساس رضایت عاطفی خاصی است که از هم‌زیستی و ارتباط نزدیک با یکدیگر به‌دست می‌آورند (گیدنز، ۱۹۹۲). وی معتقد است برخلاف رابطه سنتی که در آن اعتماد امری از پیش تعریف‌شده و

برآمده از اصول هنجاری است، امروزه دیگر نمی‌توان اعتماد را با اصول ثابت هنجاربخش در اختیار داشت، بلکه باید آن را به زحمت جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه صدر است، جایی که اعتماد امری از پیش تعیین شده نیست، بلکه باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فراگرد متقابل خودواگشایی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۵). به این شکل به تدریج مبنای اعتماد در روابط شخصی از «اجتماع محلی» و «پیوندهای خویشاوندی» به «صمیمیت» و «خودواگشایی» تغییر جهت داده و به امری تبدیل شده است که طرفین برای به دست آوردن آن تلاش می‌کنند. بدین‌سان، اعتماد شخصی باید از طریق خودکاو برقرار گردد.

یاسپرس^۱ با رویکرد پدیدارشناختی و اگزیستاسیالیستی تجربه‌های دردناک آدمی را تحلیل می‌کند و از استعاره موقعیت مرزی استفاده می‌کند. وی بین موقعیت و موقعیت مرزی تفاوت می‌گذارد. قرنطینگی به مثابه موقعیت مرزی^۲ است که مورد توجه دانش‌های متعدد قرار گرفته است. در حوزه علوم اجتماعی موقعیت مرزی حالتی از سست شدن یک ساختار و گذار به شرایطی دیگر را نشان می‌دهد (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۷۲۶). در حوزه پدیدارشناسی یاسپرس معتقد است موقعیت مرزی هنگامی رخ می‌دهد که زندگی توسط حوادثی که نتوانند توسط فاعل انسانی، خرد یا قدرت انسانی اداره شوند، دچار اضمحلال پاشیدگی شود (والراف، ۲۰۱۵). موقعیت مرزی با بودن در موقعیت کلی متفاوت است. «برخلاف موقعیت‌های کلی، موقعیت‌های مرزی حس امنیت و بنیاد اگزیستانس افراد را مورد پرسش قرار می‌دهند و همه هستی افراد را تهدید می‌کنند. فرد زمانی موقعیت‌های مرزی را تجربه می‌کند که زندگی‌اش بر اثر شرایطی از هم گسسته شده باشد و قادر نیست آن را سامان دهد. موقعیت‌های مرزی اصولاً نمی‌توانند توسط آگاهی دریافته شوند و راه‌های عینی برای خروج از آن‌ها جست‌وجو شود» (مصباحیان، ۱۳۹۹: ۳۱۶). موقعیت مرزی یا حدی^۳ حکایت از آن است که هیچ امنیت و ثباتی در جهان وجود ندارد. همه اموری که ما در جهان با آن درگیر هستیم متناهی، محدود، کران‌مند و قابل تقسیم به دوگانه سوژه / ابژه هستند.

یاسپرس تأکید می‌کند که موقعیت واقعی انضمامی است که بر اگزیستانس آدمی به لحاظ فیزیکی و روان‌شناختی به نحو مثبت یا منفی تأثیر می‌گذارد:

آنچه که ما یک موقعیت می‌نامیم، فقط واقعیتی که توسط قوانین طبیعی صورت‌بندی شده باشد نیست. بلکه واقعیتی است که نه فیزیکی و نه روان‌شناختی بلکه هم‌زمان هر دوی

1. Jaspers
2. boundary situation
3. Wallraff
3. limit

آن‌هاست. موقعیت، واقعیتی انضمامی است که سودمندی‌ها و ناسودمندی‌ها، فرصت‌ها و موانع اگزیزتانس مرا معنا می‌بخشد (یاسپرس، ۱۹۷۰: ۱۷۷).

برای فهم موقعیت مرزی نزد یاسپرس، باید به مفهوم تعارضات او ورود کرد. مراد یاسپرس از تعارض، منازعات حل‌نشده و کاهش‌ناپذیری است که ساختار بنیادین اگزیزتانس آدمی است. مفهوم ساختار تعارضی برای فلسفه اسپرس اهمیت بنیادین دارد. نه فقط از این جهت که او این را برای اگزیزتانس آدمی مفروض می‌گیرد، بلکه علاوه بر آن از این جهت که او اصولاً مفاهیم را بدون قرار دادن آن‌ها در مقابل اعدادشان قابل درک نمی‌داند. زندگی برای مثال بدون مرگ قابل درک نیست، ارتباط از تنهایی تفکیک‌ناپذیر است و دازاین^۱ را نمی‌توان بدون اگزیزتانس فهمید.

در تحلیل ساختار تعارضی اگزیزتانس، یاسپرس خود تجربی و خود اگزیزتانس را در چارچوب دوگانه سوژه/ابژه مورد بررسی قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که دازاین باید در چارچوب نزاع و تضاد درونی درک شود. او بر روی وحدت دوسویه تضاد توقف می‌کند و بر این باور است آدمی هم بر روی پای خود ایستاده است و هم به جهان و استعلا از آن می‌اندیشد. به عبارت دیگر بشر انضمامی به دو قلمرو عینی و ذهنی تعلق دارد. او بدون جهان نمی‌تواند وجود داشته باشد و این درحالی است که به هیچ روی هم نمی‌تواند بی‌فراروی و استعلا از جهان به خود دست یابد. از نظر یاسپرس فرد بدون شکست نمی‌تواند به خود تحقق‌بخشی دست یابد: «هر چیزی شکست می‌خورد، اگزیزتانس اگر در موقعیت مرزی قرار نگرفته باشد، نمی‌تواند به خود دست یابد» (یاسپرس، ۱۹۷۱: ۱۹۸). یاسپرس «جدال خشونت‌آمیز»^۲ برای بقا را در مقابل یک رفتار اخلاقی حقیقی که او آن را «جدال عاشقانه»^۳ می‌نامد، قرار می‌دهد. جدال عاشقانه فرایندی غیرخشونت‌آمیز است که رابطه من با دیگری را بر اساس هم‌بستگی توضیح می‌دهد. من در این فرایند نه تنها بی‌توجه به دیگری نیست، بلکه تنها در پیوند با دیگری است که برای دستیابی به آنچه نیاز زندگی من است به جدال می‌پردازد. لحظه جدال در اینجا عشق به دیگری است و نه غلبه بر دیگری. از نظر یاسپرس، در وضعیت مرزی جدال ما درمی‌یابیم که خود اگزیزتانس یک جدال است. او ادعا می‌کند که وضعیت‌های مرزی جدال^۴ و گناه^۵، برخلاف موقعیت‌های مرزی رنج^۶ و مرگ^۱، توسط خود ما ایجاد می‌شود. هر آنچه ما در

1. dasein
2. violent struggle
3. loving struggle
4. struggle
5. guilty
6. suffering

زندگی پی می‌گیریم، از انگیزه‌های خودمحرانۀ خودمان ناشی می‌شود. دیر یا زود اهداف ما با اهداف دیگران تضاد پیدا می‌کند. جدالی صلح‌آمیز، خشونت‌پرهیز و بی‌اجبار که در آن اهداف فردی پیگیری نمی‌شود. از نظر یاسپرس، گناه و آزادی با یکدیگر ارتباط درونی دارند، چراکه آزادی انسان در قلب احساس گناه او قرار دارد (مصباحیان، ۱۳۹۹: ۳۱۹). با توجه به چشم‌اندازهای نظری پیش‌گفته، این مقاله مبتنی بر تحقیق استقرایی است و عمدتاً با الهام از رویکرد نظری یاسپرس، به تبیین موضوع پژوهش پرداخته‌ایم.

روش پژوهش

این پژوهش، با تکیه بر روش‌های کیفی انجام گرفته و از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شده است. تحقیق حاضر، با توجه به منطق اشباع نظری، با چهل نفر از شهروندان استان گیلان، بیست نفر از زنان و بیست نفر از مردان به صورت فردی مصاحبه صورت گرفته است. اطلاعات حاصل از گفت‌وگو با افراد از طریق مصاحبه فردی و در مدت زمان ۸۷۵ دقیقه به دست آمده است. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از مکتوب شدن، چندین مرتبه مرور و به‌شیوۀ تحلیل مضمون^۲، بررسی شدند. روش تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون؛ کلارک^۳، کلارک^۳، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود و روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی جعفری؛ تسلیمی؛ فقیهی؛ شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (براون؛ کلارک، ۲۰۰۶). البته به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود. این امر، مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب کند (عابدی جعفری؛ تسلیمی؛ فقیهی؛ شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

در باب قابلیت اعتماد^۴ (اعتبارپذیری) از روش‌های چندگانه نظیر روش مشاهده، روش اسنادی، مصاحبه‌های فردی و تحقیقات مشابه استفاده شده است. در زمینه قابلیت اطمینان^۱

1. death
2. thematic analysis
3. Braun; Clarke
4. credibility

(پایایی) نیز متن مصاحبه پس از پیاده شدن مقوله‌بندی و اقداماتی نظیر یادداشت‌برداری، تهیه فهرست مصاحبه‌شوندگان، مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و یاری گرفتن از نظرات استادان و کارشناسان در مقوله‌بندی‌ها به‌کار گرفته شد.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

اسامی	سن	تأهل	شغل	تحصیلات	مکان مصاحبه
مریم	۲۵	مجرد	دانشجو	کارشناسی ارشد	خانه
الهه	۴۰	متاهل	خانه‌دار	دیپلم	خانه
مژگان	۲۳	مجرد	طراح لباس	کارشناسی	فضای مجازی
شکوفه	۲۸	مجرد	دانشجو	کارشناسی ارشد	خانه
رضا	۲۱	مجرد	آزاد	کارشناسی	فضای مجازی
نغمه	۳۶	متاهل	منشی	کارشناسی	فضای مجازی
نوشین	۴۷	متاهل	دبیر	کارشناسی	رشت
جلیل	۸۵	متاهل	کشاورز	ابتدایی	لنگرود
مینا	۲۳	مجرد	کارمند	کارشناسی	رودسر
رویا	۲۲	مجرد	آزاد	کارشناسی	فضای مجازی
افروز	۲۴	مجرد	مدیر فروش	کارشناسی	رشت
امیر	۲۲	مجرد	دانشجو	کارشناسی	رشت
محمد	۴۸	متاهل	کارگر	دیپلم	صومعه سرا
حمید	۴۸	متاهل	راننده	دیپلم	فضای مجازی
بهزاد	۴۶	متاهل	دبیر	کارشناسی	لنگرود
رکسانا	۲۲	مجرد	آرایشگر	کارشناسی	فضای مجازی
فرزاد	۲۳	مجرد	دانشجو	کارشناسی ارشد	فضای مجازی
حنانه	۲۳	متاهل	پرستار	کارشناسی	رشت
مهرداد	۲۲	مجرد	آزاد	کارشناسی	انزلی
محبوبه	۲۰	مجرد	آزاد	کارشناسی	فضای مجازی
مونا	۲۲	مجرد	دبیر	کارشناسی	فضای مجازی
عرفان	۲۵	مجرد	بیکار	کارشناسی	لاهیجان
لیلا	۲۴	مجرد	بیکار	کارشناسی	فضای مجازی

1. dependability

اسامی	سن	تأهل	شغل	تحصیلات	مکان مصاحبه
علی	۴۷	متأهل	کارمند	دیپلم	فضای مجازی
بهنام	۳۲	متأهل	کارمند	کارشناسی	فضای مجازی
سارا	۲۱	مجرد	بیکار	کاردانی	ماسال
پوریا	۳۲	متأهل	کارمند	کارشناسی	صومعه‌سرا
فرشته	۴۰	متأهل	خانه دار	متوسطه	فضای مجازی
نوید	۲۵	متأهل	آزاد	کارشناسی	فضای مجازی
ستاره	۲۱	مجرد	بیکار	دیپلم	رشت
اشکان	۲۴	مجرد	بیکار	کارشناسی	فضای مجازی
مهدی	۲۸	مجرد	کارمند	کارشناسی	رشت
احسان	۲۵	مجرد	کارمند	کارشناسی ارشد	فضای مجازی
فاطمه	۳۸	متأهل	کارگر	دیپلم	لنگرود
نسیم	۲۸	متأهل	خیاط	کاردانی	رشت
الهام	۲۶	مجرد	بیکار	دیپلم	آستارا
آرش	۲۱	مجرد	دبیر	کارشناسی	ماسال
کامران	۴۲	متأهل	آزاد	متوسطه	انزلی
پیمان	۳۸	متأهل	کارمند	دیپلم	خانه
زهرا	۴۷	متأهل	بیکار	کارشناسی	خانه

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، میانگین سنی مصاحبه‌شوندگان ۳۱/۰۵ سال بود که سه نفر از افراد دارای مدرک زیر دیپلم، هشت نفر دارای مدرک دیپلم، دو نفر کاردانی، ۲۴ نفر کارشناسی و سه نفر کارشناسی ارشد داشتند. دوازده نفر از مصاحبه‌شوندگان بیکار بودند، چهار نفر کارگر، دوازده نفر کارمند و دوازده نفر در مشاغل آزاد اشتغال داشتند. در مدت زمان گفت‌وگو با مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با صمیمیت و پیوند اجتماعی در ایام قرنطینه صحبت شد. از این رو پس از تقریر مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، محقق مشارکت‌کنندگان را در سه سنخ جای داده است:

الف) سنخ صمیمیت محبت‌آمیز

از آنجایی که موقعیت مرزی قرنطینی تهدیدی علیه اگزیزتانس آدمی است که همه ابعاد و عناصر آدمی را به‌خطر می‌اندازد در برخی خانواده‌ها عواطف مثبت ایجاد کرده و روابط بین

آن‌ها را صمیمی‌تر کرده و وحدت و یگانگی در بین آن‌ها را افزایش داده است. هرچند بیش از گذشته روابط داخلی افراد را واقعی‌تر کرده، اما روابط خارج از حوزه خانواده را انتزاعی‌تر و مجازی‌تر کرده است.

مریم، ۲۵ ساله، کارشناسی ارشد، خانه‌دار می‌گوید: «صمیمیت در دوران کرونا بیشتر شده و در این دوران تقریباً هر روز از طریق فضاهای مجازی با دوستان و فامیل در ارتباطیم». در برخی افراد هراس از بیماری و پدیده مرگ آنان را به یکدیگر نزدیک کرده است. در این باره، پیمان ۳۸ ساله، دیپلم و کارمند بیان می‌کند: «دیگران را نمی‌دانم ولی خودم در ایام کرونا بیشتر با نزدیکانم تماس می‌گرفتم و حالشان را جویا می‌شدم یا تلفنی یا از طریق فضای مجازی. شاید به این خاطر که بیشتر نگران‌شان می‌شدم و می‌دانستم که شرایط عادی و مثل قبل نیست».

این سنخ از مصاحبه‌شوندگان که اغلب از خانواده‌های طبقات میانی و بالای جامعه هستند، در دوران کرونا صمیمیت میان آن‌ها بیشتر شده است و قرنطینی موجب شده تا اعضای خانواده در کنار هم باشند، تقسیم کار و مشارکت بیشتری در کارهای خانه داشته باشند فضای مجازی و تماس‌های تلفنی هم یکی از راه‌های برقراری ارتباط بیشتر با خانواده و فامیل در این دوران بوده است. گفتنی است این گروه از افراد بیشتر از طبقات بالای جامعه بودند.

مونا، ۲۲ ساله، دارای مدرک کارشناسی و دبیر، بیان می‌کند که افراد در زمان قبل از کرونا با فشار و نقش‌های چندگانه مواجه بودند و برخی از آن‌ها حتی فرصت خوردن یک وعده غذایی را در کنار هم نداشتند و مشغله‌های کاری زیاد میان خانواده‌ها فاصله انداخته بود، اما کرونا و دوران قرنطینه شرایطی را ایجاد کرد که اعضای خانواده زمان بیشتری را در کنار یکدیگر سپری کنند و پیوند و صمیمیت میان آن‌ها افزایش یابد:

«من فکر می‌کنم صمیمیت امروزه بیشتر شده. خانواده‌هایی که به دلیل مشغله‌های سخت کاری حتی یک وعده غذایی رو هم با یکدیگر میل نمی‌کردن، اما الان به خاطر این شرایط و قرنطینه خانگی این دورهم بودن به نوعی به توفیق اجباری شده و خیلی‌ها تازه دارن اون حس صمیمیت بین اعضای خانواده رو درک می‌کنن».

احسان، ۲۵ ساله، کارشناسی ارشد می‌گوید با آمدن کرونا قدر یکدیگر را بیشتر می‌دانند و هراس از دست‌دادن عزیزان موجب شده است تا حس صمیمیت و پیوند اجتماعی میان خانواده‌ها بیشتر شود.

«صمیمیت در زمان کرونا بیشتر شده، زیرا قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی باعث شد تا افراد قدر کنار هم بودن و دورهمی‌ها را بیشتر داشته باشند و این قرنطینه، دوری‌ها باعث دلتنگی می‌شد، در نتیجه دلتنگی، صمیمیت بیشتر می‌شد».

آرش، ۲۱ ساله، کارشناسی و دبیر نیز نظر مشابهی دارد:

«در زمان کرونا و بعد از آن صمیمیت بیشتر شد. با وجود اینکه کرونا باعث کم شدن رفت‌وآمدها شد، ولی افراد خیلی بیشتر از گذشته به اهمیت و ارزش یکدیگر پی بردند و صمیمیت‌ها بیشتر شد. در خانواده ما به دلیل اینکه بیشتر در کنار هم بودیم در ایام قرنطینه صمیمیت زیاد شد. صمیمیت و شفقت در بین این سنخ از افراد وجه عاملانه و عاشقانه داشته و نوعی دلواپسی و خدمت به دیگر اعضای خانواده غلیظ‌تر و شدیدتر مشاهده می‌شود».

(ب) سنخ خنثی

در برخی خانواده‌ها که سبک زندگی آن‌ها در مرحله پیشاکرونا و کرونا تغییر نکرده است، معتقدند که کرونا تأثیر چندانی در عواطف و احساسات افراد ایجاد نکرده است، از نظر این گروه از افراد صمیمیت‌ها و پیوندهای اجتماعی در ایام کرونا و قبل از آن تفاوتی با هم ندارند و صمیمیت در میان آن‌ها همانند دوران قبل از کروناست.

سارا، ۲۱ ساله، کاردانی در این باره می‌گوید: «صمیمیت بین ما تغییری نکرده مثل همون قبل هستش، رفت و آمدهای ما هم نه بیشتر شده نه کم‌تر».

نغمه، ۳۶ ساله، کارشناسی نظر مشابهی دارد. وی اشاره می‌کند که کرونا موجب نشده تا روابط میان اعضای خانواده گرم‌تر شود، صمیمیت و دوستی‌ها بیشتر شود و به عبارتی در حالت خنثی این ایام را سپری می‌کنند: «به نظر من هیچ فرقی نکرده است، چون به روال خودمون برای زندگی کردن ادامه دادیم».

حمید، ۴۸ ساله، دیپلم نیز معتقد است: «در خانواده ما روابط فرقی نکرده با دوران قبل از کرونا مثل همون قبل هستیم».

بنابراین، برای برخی خانواده‌ها کرونا موقعیت جدیدی نیست، بلکه متغیر اصلی مدرنیته است که تغییرات اجتماعی را ایجاد کرده است. البته این وضعیت جنبه آنیت دارد و می‌تواند به شکل پاندولی به حالت صمیمیت و جدال سوق یابد.

ج) سنخ جدال آمیز

۱. جدال محبت‌ورزانه

این گروه اگرچه دعوا و اختلاف‌هایی میان آن‌ها وجود داشت، ولی بیشتر جدال‌ها جنبه محبت‌آمیز دارد، به همین دلیل این افراد در سنخ جدال محبت‌ورزانه قرار می‌گیرند. در دوران کرونا گاهی تنش‌هایی بین اعضای خانواده رخ می‌داد که دلیل آن را رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی توسط عزیزانشان می‌دانستند، چون دلواپس حال یکدیگر بودند و نگاه محبت‌آمیز به همدیگر داشتند. این موضوع باعث جدال میان آن‌ها می‌شد. به‌ویژه در میان زنان این‌گونه جدال‌ها بیشتر رخ می‌داد و آنان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به رعایت پروتکل‌ها در میان اعضای خانواده خود داشتند و در صورت عدم رعایت این مسائل، دعوای اوج می‌گرفت.

این امر تداعی‌کننده دیدگاه یاسپرس است، دلهره وجود زیستن و مرگ قوی‌ترین موقعیت مرزی در انسان است، این امر او را در موقعیت هراس‌آمیزی قرار می‌دهد (یاسپرس، ۱۹۷۰). در این سطح، کشمکش انسان را از انسان جدا نمی‌کند، بلکه کشمکش راه اتصال آن‌هاست. کشمکش در این سطح جنگ و نزاع فرد برای اگزیزتانس است، البته هم برای خود و هم برای دیگری. این کشمکش، کشمکشی است که در آن هر پیشرفتی برای فرد تنها زمانی حاصل می‌شود که دیگری پیشرفت کند و هر نابودی برای دیگری در واقع نابودی فرد است.

زهره، ۴۷ ساله، کارشناسی نیز معتقد است: در دوران کرونا در کارهای خانه بیشتر مشارکت می‌کنیم و تا حدودی تقسیم کار نسبت به قبل در وضعیت بهتری قرار گرفت، ولی در کنار این همکاری و تقسیم کار مشکلاتی نظیر بحث‌های بهداشتی هم وجود داشت.

حنانه، ۲۳ ساله، کارشناسی بر عدم رعایت قواعد بهداشتی از طرف آقایان و دلواپسی خانم‌ها اشاره می‌کند:

«در خانواده ما ممکن بود جر و بحث پیش بیاد. دیگه می‌دونین آقایون مثل خانم‌ها خیلی پروتکل‌های بهداشتی رو رعایت نمی‌کنن و مدام باید این نکته را بهشون یادآوری کنیم که ماسک بزنن و دستاشون رو ضدعفونی کنن و زیاد که این‌ها رو می‌گم همسرم عصبانی میشه، ولی به‌طور کلی خودم حس می‌کنم که ما بهم نزدیک‌تر شدیم».

فرزاد، ۲۳ ساله، کارشناسی ارشد بر نگرانی از مرگ و موقعیت جدید کرونایی تأکید می‌کنند: «خب تو دوران کرونا به‌خاطر ترس از دست دادن عزیزانمون ما رو به این واداشت که قدر اون رو بدونیم و توجه و محبت بیشتری نسبت به هم داشته باشیم و تو این ایام اگر جنگ و جدلی هم بود، بیشتر به‌خاطر محبت و دوست داشتن و نگرانی بود، نه چیزای دیگه».

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، بیشتر جدال‌ها، جدال محبت‌ورزانه بوده است، اما تعداد کم‌تر و شکل رقیقی از جدال کین‌توزانه هم مشاهده شده است. جدال محبت‌ورزانه در شرایط قرنطینگی بیشتر محملی برای تعمیق پیوند اجتماعی و صمیمیت محبت‌آمیز شده است، اما ممکن است نقطه عطفی برای جدال کین‌توزانه هم باشد.

۲. جدال کین‌توزانه

انسان‌ها در هنگام رنج و ابتلا در موقعیت برزخی قرار دارند. از نظر اگزستانسیالیست‌ها رنجش بشر صورت‌های مختلفی دارد که شامل بیماری‌های فیزیکی، ناراحتی‌های روانی و درونی یا شرایط بیرونی چون بی‌عدالتی، بر وی تحمیل می‌شود. جدال کین‌توزانه بیشتر در بین کسانی بوده است که پیش از کرونا هم روابط اجتماعی بسیار بدی داشتند و دعوا و تنش میان آن‌ها وجود داشته است؛ بنابراین قرنطینگی و برای مدت طولانی زیر یک سقف بودن دعوای و جدال‌ها را تشدید کرده و وضعیت بدتری را برای آن‌ها نسبت به قبل ایجاد کرده است. به‌خصوص این جدال در بین طبقات پایین جامعه بیشتر مشاهده می‌شود.

مینا، ۲۳ ساله، کارشناسی، کارمند شرکت تبلیغاتی تماشای تکرار برنامه‌های تلویزیونی اشاره می‌کند:

«بیشتر دعوای کلامیه، اما بین فرزندان قطعاً فیزیکی و کلامی هست. برای کسانی که کارگر روزمزد هستند خیلی سخته و دلایل دعوای مالی باشه. البته بین بچه‌ها و والدین هم علاوه بر کلامی می‌تونه فیزیکی هم باشه و بیشتر به خاطر اختلاف نظر تو هر چیزی مثلاً بابای من همه اخبار رو باید نگاه کنه ساعت ۷ و ۹ و ۱۰ و... ما دوست نداریم».

لیلا، ۲۴ ساله، کارشناسی، بیان می‌کند:

«با توجه به شرایط خانواده‌ها متفاوت. خانواده‌ای که وضعیت مالی مناسبی داره و ضربه اقتصادی خاصی بهش وارد نشده حداقل تو این مورد آرامش خیال داره، ولی بازم همیشه گفت کانون خانوادش آرومه چون می‌تونه تنش کلامی و عاطفی وجود داشته باشه. در مورد خانواده‌هایی که آسیب مالی دیدن تمامی موارد صدق می‌کنه».

امیر، ۲۲ ساله، کارشناسی، دانشجو، فرم دعوا را کلامی و در نقاب مسائل پیش‌پافتاده، ولی محتوای و بنیاد آن را اقتصادی می‌داند:

«دلایل خاصی ندارد فقط بیشتر با هم هستند و صحبت می‌کنند و ممکن است بر سر موضوعات مختلف مخالف یکدیگر باشند، ولی به‌نظرم درآمد کم و فشار مالی باعث تشدید دعوا

می‌شود و در خانواده‌هایی که وضع مالی خوبی دارند افراد سرگرمی‌های بیشتری دارند و مشکل مالی ندارند و دعوای کم‌تری وجود دارد».

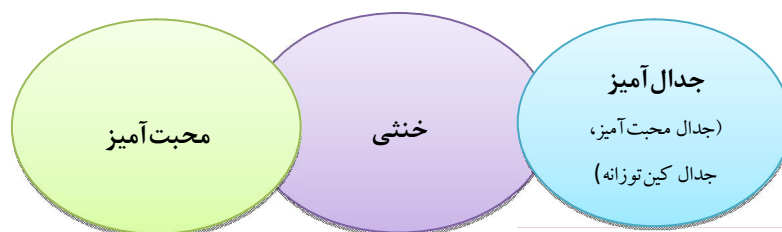
از نگاه اگزستانسیالیستی و به‌ویژه یاسپرس، یکی از دلایل کشمکش در زندگی روزمره ارتباط با دیگری است. ارتباط با دیگری از نیازهای ذاتی انسان است. اگر فرد صرفاً درگیر خود باشد، «تو» تبدیل به «آن» و رابطه «من» و «تو» به «من» و «آن» تبدیل می‌شود و در نتیجه صمیمیت و وفاداری، عشق و از خودگذشتگی از بین می‌رود و من نسبت به دیگری احساس حضور نمی‌کنم. در چنین شرایطی رابطه فرد با دیگری در معنای هگلی، رابطه «خداپگانی و بنده» است و رابطه از حالت «دگرآیینی» به «خودآیینی» تبدیل می‌شود.

رویا، ۲۲ ساله، کارشناسی، شغل آزاد، اشاره می‌کند:

«علاوه بر مشکلات اقتصادی مشکلاتی مانند تحمل کردن یکدیگر در زمان طولانی سخت است. برای مثال برادر و خواهری که در سن بلوغ هستند و مدام دعوا می‌کنند مدت زمان زیادی کنار هم هستند و باعث دعوا می‌شود. یا زن و شوهری که مدام به بحث و دعوا مشغول‌اند این قرنطینه بیشتر به دعوای و مشکلات دامن زند، حتی در خانواده‌هایی که خوش هستند کتک‌کاری هم پیش می‌آید».

مژگان، ۲۳ ساله، کارشناسی، بیکار می‌گوید:

«آقایون وقتی تو خونه می‌مونن به هر چیز الکی گیر می‌دن. از کنترل تلویزیون بگیر تا بخاری، کولر، آشپزی و ... ولی وقتی خونه نباشن خانم وظایف و کاراشو می‌دونه. مثلاً داداش من آدم بدغذاییه و ما هر چی درست می‌کنیم بهش گیر می‌ده و مثلاً بالا سر ما می‌مونه، می‌گه کوکو رو حتماً برشته کن. بازم اونو می‌خوره و غر می‌زنه و سر غذا امکان نداره چیزی نگه و با خیال راحت بخوره. مثلاً سبزی پلو درست می‌کنیم می‌گه چرا سبزیش زیاده؟ و منم باعث می‌شه بهم بریخوره و یه چیزی بگم. چون من واسه اون کارم زحمت کشیدم و یکی به من گیر می‌ده، عصبی می‌شم، ولی سعی می‌کنم که کوتاه بیام چون همیشه هم دعوا خوب نیست».



شکل ۱. مدل استقرایی منتج از یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی نسبت بین وضعیت کرونایی و صمیمیت به‌مثابه امری عاطفی در خانواده‌های مورد مطالعه گیلانی بوده است. یافته‌های تحقیق در این پژوهش نشان می‌دهد که به‌لحاظ صمیمیت سه سنخ در بین مصاحبه‌شوندگان گیلانی مشاهده می‌شود:

- **سنخ صمیمیت محبت‌آمیز:** این سنخ از صمیمیت بیشتر در خانواده‌های دموکراتیک که افراد آن دارای عاملیت و بازاندیشی بیشتری هستند مشاهده می‌شود و بر مبنای دیدگاه گیدنز (۱۹۹۲) رابطه اعضای خانواده در مقایسه با سایر سنخ‌ها ناب‌تر است. در این باره، یافته‌های این تحقیق با کمی تسامح با نتایج تحقیق خطیبی (۱۳۹۹)، جوادی؛ برادران (۱۳۹۹) و اسکندری (۱۳۹۹) در داخل؛ و شیائو و همکاران (۲۰۲۰) در خارج مطابقت دارد. در موقعیت مرزی مزبور از یک سو هم‌بستگی درونی اعضای خانواده در دوران کرونا بیشتر شده، ولی از سوی دیگر، با کاهش روابط اجتماعی خانواده مواجه شده و انزوای اجتماعی آنان بیشتر شده است. در غیاب دیگران به‌مثابه بیرون از خانواده، افراد دسترسی کم‌تری به دیگران و در عوض دسترسی بیشتری به اعضای خانواده خود پیدا می‌کنند و رابطه «من» و «تو» تشکیل می‌شود و این تعامل صمیمی‌تر می‌شود. به‌زعم یاسپرس، صمیمیت وجه بین‌الذہانی دارد و در شرایط قرنطینگی عواطف خاصی موجب دوستی می‌شود (مقدوری؛ مصطفوی، ۱۳۹۴: ۱۴۶). بر مبنای این منطق، هیچ حقیقتی در خلال تنهایی حاصل نمی‌شود و من فقط زمانی به هدف خود می‌رسد که با دیگری باشم و من شریک می‌شوم در آن چیزی که دیگری دارد و من مسئول هستم برای آن چیزی که در کنار من است.
- **سنخ خنثی:** افراد اندکی که در این سنخ جای می‌گیرند اذعان کرده‌اند که کرونا در تعامل‌ها، میزان صمیمیت و پیوندهای اجتماعی آن‌ها تأثیری نداشته و در روند زندگی‌شان تحولی صورت نگرفته است. عدم تفاوت معنی‌دار در پیوند اجتماعی (صمیمیت) بین شرایط پیشاکرونا و کرونا در خانواده‌ها با نتایج تحقیق قربانی؛ توحیدی مقدم (۱۳۹۹) و صادقی و همکاران (۱۳۹۹) هم‌سویی دارد. در بین این گروه از خانواده‌ها متغیر اصلی در محتوای زندگی آنان مدرنیته است و کرونا تأثیر چندانی در زندگی آن‌ها نداشته است. تحت شرایط و مؤلفه‌هایی، کنش‌های خنثی و بی‌شکل این سنخ از افراد می‌تواند به صمیمت محبت‌آمیز و جدال‌آمیز سوق پیدا کند.
- **سنخ جدال‌آمیز:** واکنش افراد در مقابل پدیده کرونا و قرنطینگی یکسان نیست، بلکه صورت‌های مختلفی دارد. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده دو نوع کشمکش

(محبت‌ورزانه و کین‌توزانه) در بین خانواده‌های مورد‌مصابحه مشاهده شده است. در جدال محبت‌ورزانه، دلواپسی و نگرانی از ابتلای به بیماری و مرگ برای اعضای خانواده همانند رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی موجب تنش و دعوا میان آن‌ها شده است و بیشتر جدال‌های موجود در خانواده‌ها، جنبهٔ محبت‌آمیز داشته است. این امر تداعی‌کنندهٔ دیدگاه یاسپرس است. وی چنین موقعیتی را مرزی تعبیر می‌کند. موقعیت‌های مرزی اساساً حس امنیت و بنیاد اگزستانس افراد را پرابلماتیک می‌سازد و همهٔ هستی وی را تهدید می‌کند (یاسپرس، ۱۹۹۲). به‌زعم وی جدال حاکم بر خانواده‌ها صیغهٔ هستی‌شناختی دارد و اصیل است، چون رعایت پروتکل‌های بهداشتی به بقای طرفین منجر می‌شود و هردو از این امر منتفع می‌شوند. جدال کرونایی، صلح‌آمیز، خشونت‌پرهیز و بی‌اجبار که در آن اهداف فردی پیگیری نمی‌شود. این کشمکش بر پایهٔ هم‌بستگی قرار گرفته، برنده و بازنده، قوی و ضعیف و فرادست و فرودست ندارد (مصباحیان، ۱۳۹۹). صمیمیت در تعامل با دیگران معنا پیدا می‌کند و شکل می‌گیرد و کرونا و قرنطینگی علاوه بر جوانب منفی در برخی خانواده‌ها موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی شده و صمیمیت و دوستی را بیشتر کرده است که اغلب این خانواده‌ها از طبقات بالای جامعه و افراد شاغل هستند، زیرا تا قبل از کرونا درگیری در کارهای روزمره و اشتغال مانع آن می‌شد تا با اطرافیان خود ارتباط داشته باشند. نتایج تحقیق احمدی و همکاران (۱۳۹۹) نیز حاکی از تأثیر منفی شرایط ساختاری در دوران کرونا بر پیوند اجتماعی اقشار پایین جامعه است. همچنین زنان دلواپسی بیشتری نسبت به امر بیماری و نقض پروتکل‌های بهداشتی دارند مردان در مقایسه با زنان بیشتر به بیرون از منزل می‌روند و در برابر قواعد بهداشتی مقاومت می‌کنند و مردانگی خود را با نقض پروتکل‌های بهداشتی به اثبات می‌رسانند و چه‌بسا رعایت حداکثری این قواعد را عملی زنانه می‌پندارند که متعاقب آن موجب کشمکش بین افراد خانواده می‌شود. هراس خانواده‌ها به‌ویژه زنان در حفظ قواعد پروتکل‌های بهداشتی بر مبنای اندیشهٔ ویتکنشتاین صرفاً توصیف امر مزبور نیست، بلکه اجرای قواعد بهداشتی نیز هست (گیدنز، ۱۴۰۰)، چون بیان کردن قواعد به‌منزلهٔ قواعد، ماهیت روابط افراد را تغییر می‌دهد و این خود می‌تواند محملی برای تنش‌ها و اختلال در فرایند اجرای صمیمیت در حوزهٔ خانواده و کشمکش ستیزه‌جویانه باشد.

سنخ دیگر کشمکش، کین‌توزانه است. در جدال کین‌توزانه درگیری‌ها شدیدتر است و ایام قرنطینگی و زمان زیادی را در کنار هم سپری کردن شرایط را برای برخی از خانواده‌ها

تحمل‌ناپذیر کرده است. البته این نوع جدال کم‌تر در خانواده‌ها مشاهده شده و بیشتر در خانواده‌های طبقات پایین دیده می‌شود که بروز احساسات بین آن‌ها به تنش و درگیری بیشتری بین آن‌ها منجر می‌شود. از نظر این افراد تکرار و یکنواختی زندگی قرنطینی موجب دعوی کلامی و بی‌حوصلگی بین اعضای خانواده می‌شود، ولی پایه‌های اساسی این مجادلات ناشی از اوضاع نامناسب اقتصادی به‌دلیل بیکار شدن و تعطیلی برخی مشاغل است. هرچند در دوره مدرن، رابطه ناب به‌زعم گیدنز (۱۹۹۲) کم‌تر شده، ولی کرونا تأثیر منفی بر این خانواده‌ها گذاشته است.

علاوه بر حوزه کل در قلمرو خرد و انضمامی نیز نتایج این تحقیق نشان می‌دهد احساسات و عواطف افراد تابعی از موقعیت پیشاکروناپی و کروناپی است. بدین معنا، کرونا و ایام قرنطینه روابط و صمیمیت برخی از طبقات اجتماعی را تضعیف و پیوندهای اجتماعی بعضی از طبقات را بهبود بخشیده است. طبق مصاحبه‌های انجام‌شده روابط و پیوندهای خانوادگی در میان طبقات فرودست جامعه که از سرمایه اقتصادی پایینی برخوردارند و در مرحله پیشاکرونا رابطه عاطفی مطلوبی نداشتند، بدتر شده است و برعکس افرادی که از سرمایه اقتصادی و فرهنگی بالا و دموکراتیک برخوردارند و پیوندهای اجتماعی خوبی در مرحله پیشاکرونا داشتند روابط اجتماعی خانوادگی آن‌ها مستحکم‌تر شده است. همچنین بودن طولانی‌مدت و تکراری در کنار یکدیگر در چارچوب خانه سطح تعارض و کشمکش در بین افراد خانواده را بیشتر کرده است. سرانجام ذکر این نکته ضروری است که این تحقیق به روش کیفی انجام شده و دارای نقاط مثبت و منفی است. هرچند از اعتبار داخلی و عمق بیشتری برخوردار است، اما باید از تعمیم آن به کل جامعه آماری و سطح کشور امتناع کرد و پژوهش‌های دیگر به‌ویژه روش کمی خلأ و محدودیت‌های آن را به‌طور قابل‌توجهی تکمیل خواهد کرد. همچنین، استفاده از کارگاه‌های گفت‌وگومحور در افزایش مهارت‌های فردی و جمعی خانواده‌ها به‌ویژه طبقات پایین کمک قابل‌ملاحظه‌ای خواهد کرد. بی‌تردید برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های گفت‌وگو، مهارت‌های زندگی و آموزش خانواده در خانواده‌هایی که در مرحله پیشاکرونا از پیوند اجتماعی نامناسبی برخوردارند باعث تحکیم زندگی خانوادگی و سرمایه عاطفی آنان در دوره کرونا خواهد شد.

منابع

احمدی، یعقوب؛ محمدی، محمدصدق؛ ابراهیمی، فرهاد (۱۳۹۹) «زنجیره فقدان: تشدید بحران در مناطق حاشیه‌ای (مواجهه شهروندان حاشیه‌نشین سندج با کووید-۱۹)»، *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۲: ۴-۳۵.

- اسکندریان، غلامرضا (۱۳۹۹) «ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی)»، *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، شماره ۲: ۶۵-۸۵.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۹) «پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران»، *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، شماره ۲: ۸۷-۱۰۳.
- باومن، زیگمونت (۱۳۹۷) *عشق سیال*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- پناهی، محمدحسین؛ زارعان، منصوره (۱۳۹۳) «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات جنسیت و خانواده*، شماره ۱: ۱-۳۸.
- تبریزی، مصطفی؛ دیبانیان، شهرزاد؛ کاردانی، مزده؛ جعفری، فروغ (۱۳۸۵) *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی*، تهران: فراروان.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۹) «بررسی عوامل مؤثر بر اختلافات زناشویی در شرایط کرونایی در زوجین در شهر بهار»، *مجموعه چکیده مقالات نخستین همایش ملی خانواده و زنان در دانشگاه گیلان*.
- جوادی، علی محمد؛ برادران، جواد (۱۳۹۹) «تأثیر کرونا ویروس (کووید - ۱۹) بر روابط اجتماعی خانواده»، *مجموعه چکیده مقالات نخستین همایش ملی خانواده و زنان در دانشگاه گیلان*.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳) *فرهنگ پسامدرن*، تهران: نشر نی.
- سلگی، محمد؛ مطلبی، داریوش؛ فکری، محمد (۱۳۹۹) *کرونا و جامعه ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شیردل، الهام؛ حامی کارگر، فاطمه؛ حاکمی، محسن (۱۳۹۹) «احساسات دینی و سازگاری خانواده با بحران کووید-۱۹: مطالعه پدیدارشناسانه در استان سیستان و بلوچستان»، *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۴: ۱۵۹-۱۸۳.
- صادقی، عباس؛ سلمان پور، آزاده؛ نیافر، غلامحسین؛ امیدپور، آرزو (۱۳۹۹) «بررسی میزان خشونت خانوادگی بعد از شیوع بیماری کرونا در بین خانواده‌های ساکن شهر رشت»، *مجموعه چکیده مقالات نخستین همایش ملی خانواده و زنان در دانشگاه گیلان*.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۲: ۱۵۱-۱۹۸.
- فلیک، اوه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قربانی، حورا؛ توحیدی مقدم، مهرناز (۱۳۹۹) «بررسی میزان طلاق عاطفی زوجین شهر رشت در دوره پاندمی ویروس کرونا»، *مجموعه چکیده مقالات نخستین همایش ملی خانواده و زنان در دانشگاه گیلان*.
- کریمی، لیلا؛ خلیلی، ربابه؛ سیرتی‌نیا، مسعود (۱۳۹۹) «شیوع انواع اختلالات روان‌شناختی در مواجهه با همه‌گیری کووید-۱۹»، *طب نظامی*، شماره ۶: ۶۶۲-۶۴۸.

- کنعانی، محمدامین؛ محمدزاده، حمیده (۱۳۹۵) «تماس‌های شبکه‌ای و تجربه عشق سیال: مطالعه کیفی دانشجویان دختر دانشگاه گیلان»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۳۳: ۱۱۵-۱۴۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موافقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰) *دگرگونی عشق و صمیمیت*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر پارسه.
- لطفی‌زاده، عباس؛ زاهدی، محمدجواد؛ گلابی، فاطمه (۱۳۹۸) «چرخش مضمونی در تبیین روابط زن و مرد در خانواده: ظهور جامعه‌شناسی صمیمیت»، *زن در فرهنگ و هنر*، شماره ۱: ۱۰۹-۱۳۱.
- مصباحیان، حسین (۱۳۹۹) «درآمدی پدیدارشناختی بر بحران کووید-۱۹ با تأکید بر موقعیت‌های مرزی»، *پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز*، شماره ۳۱: ۳۱۲-۳۳۱.
- مقدوری خوبنما، سارا؛ مصطفوی، شمس‌الملوک (۱۳۹۴) «مفهوم دیگری در فلسفه یاسپرس»، *جستارهای فلسفی*، شماره ۲۷: ۱۲۹-۱۵۴.
- نوروزی، فیض‌اله؛ عباسی اسفجیر، علی‌اصغر؛ بسمل، معصومه (۱۳۹۱) «پیوندهای اجتماعی: مطالعه تطبیقی بررسی انواع ساختار شبکه زنان با شوهرانشان در شهر بابل»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، شماره ۸: ۱۴۵-۱۶۴.
- Binkley, S. (2011) "Liquid Consumption Anti-consumerism and the Fetishized De-fetishization of Commodities", Chapter book: *Cultural Studies and Anti-Consumerism*, Routledge Press.
- Braun V.; Clarke, V (2006) "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2: 77-101.
- Jaspers, K. (1970) *Philosophy* (Vol. 2). Chicago: University of Chicago Press.
- Giddens, A. (1992) *The Transformation of Intimacy: Sexuality Love and Eroticism in Modern societies*, Polity Press.
- Gillies, V. (2003) *Family and Intimate Relationships: A Review of the sociological Research Families & Social capital ESRC Research Group*, Published by south Bank University.
- Huang Y.; Zhao N. (2020) "Generalized Anxiety Disorder, Depressive Symptoms and Sleep Quality During COVID-19 epidemic in China": a Webbased Cross-sectional Survey, *Psychiatry Research*, No. 45: 15-22.
- Klinenberg, E. (2018) "Palaces for the Ppeople", *How social Infrastructure can Help fight Inequality Polarization and the Decline of Civic Life*, Crown publishing Group.
- Liu, Y.; Liu, X.; Gao, B.; Li, C.; Liang, X. (2020) "Mental Distress among Frontline Healthcare Workers Outside the Central Epidemic Area During the Novel Coronavirus Disease (COVID-19) Outbreak in China": A cross-sectional Study, *Research Square*. DOI: 10.21203/rs.3.rs-32833/v1.

- Maarefvand, M.; Hosseinzadeh, S.; Farmani, O.; Safarabadi Farahani, A.; Khubchandani, J. (2020) Coronavirus Outbreak and Stress in Iranians. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, No.17: 4441. <https://doi.org/10.3390/ijerph17124441>.
- Wall, K.; Gouveia, R. (2014) "Changing Meaning of Family in Personal Relationship", *Current Sociology*, vol. 62 (3): 352-373.
- Wallraff, C. F. (2015) *Karl Jaspers: An Introduction to his Philosophy*, Princeton University Press.
- Xiao, H.; Zhang, Y.; Kong, D.; Li, Sh.; Yang, N. (2020) "Social Capital and Sleep Quality in Individuals Who Self-Isolated for 14 Days During the Coronavirus Disease 2019 (Covid-19)", *Outbreak in January 2020 in China*, *Clinical Research*, No.26:1-8.